

## مصوبه مجمع "اتحاد چپ کارگری"

آلمان - فوریه ۱۹۴۵

پیمان جنبش کمونیستی ایران با خود ویژگی های آن در بستر پیمان جنبش جهانی کمونیستی، از شکل گیری و سازماندهی سوسیالیسم رادیکال کارگری در ایران جلوگیری کرده است. هدف از "اتحاد چپ کارگری" ایجاد شرایطی است که به رشد و سازماندهی این طبقه کمک کند و تلاش مشترک ما در راه سازمانیابی طبقه کارگر و ایجاد حزب انقلابی آن را ممکن سازد.

مبانی نظری این طبقه عبارتند از:

۱ - اعتقاد به ضرورت سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران و تشکیل دولتی کارگری مکی بر ارگان های خودحکومتی کارگران و زحمتکشان برای تحقق بدین سوسیالیستی در مقابل این رژیم

۲ - اعتقاد به سوسیالیسم مفهوم گسترش دموکراسی در تمام حرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، انبای استثمار، استعمار، مالکیت اجتماعی مکی بر خودمدیریت تولیدکنندگان و انبای طبقات

۳ - اعتقاد به جدایی ناپذیر بودن سوسیالیسم و دموکراسی، دفاع از آزادی های بی قید و شرط سیاسی، دفاع از حق رای همه آحاد جامعه و دفاع از حق تمدد اجازات برای همه لایه ها و طبقات اجتماعی

۴ - اعتقاد به مبارزه برای سازماندهی کارگران و زحمتکشان بر پایه منافع و مواضع طبقاتی بر محور ستیز کار و سرمایه، کمک به تجمع و شکل مستقل و شرکت در مبارزات جاری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان

۵ - اعتقاد به مبارزه علیه نظام اجتماعی و فرهنگی مودسلان و پدسسلان، مبارزه علیه ژناده پرستی و مبارزه برای رفع کلیه تبعیضات فرهنگی، ملی، مذهبی و جنسی بشپاه جز جماعتی ناپذیر مبارزه برای سوسیالیسم

۶ - اعتقاد به اصل انترناسیونالیسم کارگری و پابندی به ملزومات آن در کردار

این مبانی هرچند که به روشن شدن نقاط تمایز این طبقه از سایر جریانات مدعی سوسیالیسم اما وابسته به اقتدار و طبقات غیر پروлетری کمک می کنند، نمی توانند بشپاه شروط کافی برای وحدت حزبی تلقی شوند. این اتحاد خصطنی رشد یافته دارد و بر اساس دوره ای از بحث، تبادل نظر و همکاری های عملی و با تشویق و ترغیب گرایش های متفاوت نظری در هرچه بیشتر مشخص کردن خود، شرایط را برای اعتلای این اتحاد و گذارت وحدت حزبی آینده که در آن حق گرایش و جناح برسمیت شناخته می شود، فراهم می سازد.

ما شرکت کنندگان در این نشست نه خود را بشپاه کل طبقه سوسیالیسم کارگری تلقی می کنیم و نه خواهان جایگزین کردن خود بجای آن هستیم. ما از همه افراد و نیروهایی که خود را منتقل به این طبقه می دانند دعوت می کنیم که به کمک یکدیگر و با حفظ استقلال سیاسی و تشکیلاتی، در سطح محلی و منطقه ای به ایجاد واحدهای پابدار خودسازمانی که پایه های این اتحاد را بنا می نهند، مبادرت کنند. این واحدها به مباحثات نظری برای فائق آمدن بر بحران فعلی و تدوین برنامه و استراتژی لازم برای گذارت حزب انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر دامن خواهند زد و در دو حوزه دموکراتیک و سوسیالیستی به ایجاد و گسترش همکاری های عملی و مبارزاتی کمک خواهند کرد.

باز تکثیر از: همکاران پروژه ایجاد بوکسین پست سوسیالیستها انقلابی

P. O. BOX 2846, LONDON, NW9 6LD

### نام جناح

نخست‌این‌که، به‌اعتقاد ما وظیفه‌ای که در مقابل ماست تشکیل جناح است و نه گرایش. اگر همه درک واحدی از اتحاد چپ داشتیم، اختلافات را می‌توانستیم در چارچوب مبارزات گرایش‌ها حل کنیم. اما، واقعیت این است که چنین امری ممکن نیست. تمام اختلاف ما با دیگران بر سر همین مساله است. نمی‌توان اتحاد عمل، اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیزم، جبهه‌ی وسیع سوسیالیستی کارگری و یا بلوک طبقاتی را با مفهوم سازماندهی طیف خاصی از گرایش‌های سوسیالیستی یکسان گرفت. آنها که به‌دنبال اتحادی غیر از آخری هستند عاقبت باید برنامه‌ی خاص خود را دنبال کنند. ما نه مانع آنان هستیم و نه خواهان شرکت در چنین پروژه‌هایی. دعوائی نیز بر سر اسم اتحاد چپ نداریم. آن اتحاد چپی که ما در آن شرکت کردیم به اعتقاد ما چیزی جز اتحاد طیفی خاص نبود. و برای دفاع از این برداشت ما مجبوریم که جناح خاصی تشکیل بدهیم.

به‌عبارت ساده‌تر، اگر امروزه اکثریت کسانی که در نشست دوم پلاتفرم این اتحاد را امضا کردند تغییر عقیده داده‌اند اما کماکان خواهان حفظ نام اتحاد چپ هستند، ما حرفی نداریم نام از آن ایشان. و این مساله باید تا نشست پنجم قطعیت یابد. اما اگر همه با درک قبلی توافق دارند پس اختلاف صرفاً بر سر چگونگی تعریف هویت نظری سیاسی این طیف خاص است. یعنی، صرفاً ترمیم پلاتفرم مصوب نشست دوم. بر سر تفاسیر متفاوت از حدود و ثغور طیف می‌توان گرایش تشکیل داد اما پیرامون ادراک جداگانه و استراتژی متفاوت، مبارزه‌ی ما مبارزه‌ای است میان جناح‌های مختلف و باید هم‌اکنون به صراحت اعلام کرد، با آینده‌ی جدایی. ما امیدواریم کار به این‌جا نکشد. اما، تجربه‌ی اتحاد چپ از نشست سوم تا کنون عکس این را اثبات کرده‌است. به‌رغم این‌که ما صدها بار آمادگی خود را برای بازکردن مجدد بحث پلاتفرم و ترمیم و تغییر آن اعلام کرده‌ایم، عده‌ای پا را در یک کفش کرده‌اند که خیر باید شرط عضویت را عوض کرد. یعنی چیزی جز هویت سیاسی نظری طیف خاص را به‌مثابه‌ی شرط اتحاد پیشنهاد کرد. این فقط یک معنی دارد و آن برداشت استراتژیک متفاوت از خود اتحاد است.

بنابراین، کار مشترک اصلی ما (و تفاوت عده‌ی ما با سایرین در اتحاد چپ) عبارت‌است از اعتقادمان به نوع خاصی از اتحاد. ما طرفدار پروژه‌ی بازسازی چپ انقلابی هستیم در صورتی‌که دیگران برنامه‌های دیگری را دنبال می‌کنند. ما کسانی هستیم

در خاتمه، اما، باید به نکته‌ی دیگری نیز اشاره کرد. برخی از رفقا هر چند که اهداف و اصول کلی اتحاد چپ را قبول دارند، با برخی از جزئیات پلاتفرم مخالفند. اجازه ندهیم این بحث با بحث کسانی که بی‌اصولی را ترویج می‌کنند، قاطی شود. تا زمانی که پلاتفرم حاضر بر اساس بحث همگانی و توافق در نشست سراسری تغییر نکرده‌است، پذیرش آن شرط ورود به اتحاد چپ است. اگر این‌جا و آن‌جا پلاتفرم ناروین است، بحث آن بسته نشده و باهم می‌توانیم دقیق‌ترش کنیم. اما اگر کسی با پلاتفرم مخالف است، این کوی و این میدان، دلایل خود را به بحث علنی ارائه دهد. چنانچه همه مشاهده کردیم حدت و شدت این مخالفت از چارچوب توافق برسر خطوط کلی آن فراتر نمی‌رود، همه تلاش خواهیم کرد که این مخالفت مانعی در راه وحدت‌مان نشود. اما اگر کسی از بیخ و بن با روحیه‌ی کلی پلاتفرم مخالف است، باید پاسخ دهد اساساً چرا خواهان وحدت با ماست؟ اگر روحیه‌ی کلی پلاتفرم مورد توافق است، می‌توان پیرامون این یا آن فرمول‌بندی بحث کرد. اما اگر این خطوط کلی مورد توافق نیست وحدتی نیز در کار نخواهد بود؛ وحدت از آن نوعی که ما در اتحاد چپ در مد نظر داشتیم، وحدتی اصولی و فراتر از اتحاد عمل.

ما از همه‌ی رفقای که خواهان شرکت در این جناح هستند درخواست می‌کنیم که نمایندگان خود را برای شرکت در سمینار پیشنهادی انتخاب کنند و تا قبل از این نشست نظرات و پیشنهادات خود را به‌طور کتبی در اختیار همه قرار دهند تا همه بتوانیم بر اساس مطالعه و بحث همه‌ی دیدگاه‌ها نشست خلاق و موثر داشته باشیم. نظرات ما ضمیمه‌ی این گزارش است.

نمایندگان حاضر در نشست چهارم از واحد لندن: الهه، تراب،

صنعتکاران، مهرداد؛ اکتبر ۱۹۹۶

### پروژه‌ی بازسازی چپ انقلابی پیشنهاد برای بحث در سمینار جناح طرفدار پلاتفرم (لندن)

نوشته‌ی زیر پیشنهاد اولیه‌ی است برای بحث و تصمیم‌گیری در سمینار پیشنهادی جناح طرفدار پلاتفرم. پیشنهاد ما به همه‌ی رفقا این است که تا قبل از این نشست طرح‌های خود را به‌صورت کتبی در اختیار همه قرار دهند تا همه بتوانیم با چشم باز و با اطلاع از نظریات یکدیگر بحث کنیم.

توافقات عمومی جناح متشکل شده‌اند، هیچ مرجعی نمی‌تواند واحدی را وادار به انجام کاری بر خلاف میل خود کند. و اصل سوم این‌که عضویت مستلزم درجه‌ای از تعهد است. عضو افتخاری و یا عضو با حقوق ویژه نداریم! بنابراین، هر رفیقی که خطوط کلی پلتفرم مصوبه‌ی نشست دوم اتحاد چپ را بپذیرد، در حرف و عمل از آن دفاع کند، در یکی از حوزه‌های کار دست به فعالیت بزند و حق عضویت بپردازد، می‌تواند براساس معرفی دو نفر و تأیید اکثریت واحد به عضویت پروژه درآید. در آن‌جا که جناح واحد محلی ندارد، هیات گرداننده‌ی جناح مسئولیت پذیرش اعضای جدید را عهده‌دار خواهد شد. حق تشکیل گرایش، براساس پلتفرم کتبی علنی، در جناح محفوظ است و کلیه مسئولین انتخابی‌اند. جزئیات را هر واحدی خود دقیق خواهد کرد.

اساسی‌ترین نکته، اما، همین است که کلیه‌ی مسئولین انتخابی باشند. چه هیات گرداننده‌ی واحدها و چه کل جناح. و همچنین نمایندگان واحدها در نشست‌های سراسری (منجمله نشست موسس) و یا هر گونه مسئولیت دیگر (مثلا اگر بخواهیم هیات تحریریه داشته باشیم). و این انتخاب در همه‌ی موارد باید به نحوه‌ای باشد که اقلیت‌ها حذف نشوند. مثلا، بستگی به تعداد، هر سه، چهار یا پنج نفر می‌توانند يك نفر را از میان خود انتخاب کنند. بدین ترتیب، هم همه‌ی مسئولین به عده‌ای غیر از خودشان جوابگو هستند و هم همه‌ی اعضا در همه‌ی سطوح از طریق نماینده‌ی مستقیم خود مشارکت دارند. نکته دوم نیز این است که باید درون این جناح به شکل فعلی عدم تصمیم‌گیری، رایج در اتحاد چپ، خاتمه داد و براساس رای اکثریت تصمیمات اجرایی را اتخاذ کرد. نمی‌توان به صرف این‌که يك رفیق مخالف است، دوسال بحث کرد! اقلیت را نمی‌توان وادار به کاری کرد که تمایل بدان ندارد، اما اقلیت در ضمن نباید از کار اکثریت جلوگیری کند.

### فعالیت‌ها

این جناح باید در خارج کشور و در دوره‌ی فعلی لااقل در چند حوزه‌ی اصلی فعال باشد: انتشارات، همکاری و مذاکرات با نیروهای مشابه ایرانی و بین‌المللی، فعالیت‌های دفاعی، تماس با ایران و مداخلات سیاسی.

در حوزه‌ی انتشارات، ما هم به انتشار کتب، جزوات و گاهنامه‌های تنوریک نیاز داریم و هم به يك نشریه‌ی مرتب نظری - سیاسی (سه ماه یکبار فعلا واقع بینانه خواهد بود). خط نشریه

که نه خواهان حفظ محافل، گروه‌ها و سازمان‌های قبلی هستیم و نه خواهان احیای این یا آن سازمان از دست رفته. در ضمن می‌دانیم در شرایط فعلی به وحدت حزبی نیز نمی‌توان دست یافت. ما بواسطه‌ی اتحادمان براساس اصول مکتوب برنامه‌ای در راه تدارک نظری، سیاسی و تشکیلاتی جریان جدیدی از چپ انقلابی متمایز می‌شویم. پس چرا نام این جناح مشترک خود را همین نگذاریم؟ مثلا، پروژه‌ی بازسازی چپ انقلابی. به هر حال عبارت جناح طرفداران پلتفرم گویا نیست چرا که بسیاری همین ادعا را دارند. حتی کسانی که آن را شرط عضویت در اتحاد چپ نمی‌دانند. باید در هر جا که هستیم، هسته‌ها و واحدهای این پروژه را بسازیم و خود و دیگران را به عضو شدن در آن تشویق کنیم. در هر جا که فعالیت می‌کنیم (چه در واحدهای مشترک با سایر جناح‌ها و چه به شکل مستقل) اعلامیه‌های ما تا زمانی که تکلیف نام اتحاد چپ روشن نشده امضای مشترک زیر را داشته باشند: مثلا، اتحاد چپ، پروژه‌ی بازسازی چپ انقلابی، استکھلم.

### حفظ تشکیلات سابق

واضح است که ما نمی‌گوییم قبل از این‌که جریان جدیدی شکل بگیرد، همه باید خود را منحل کنند. اما، این نیز واضح است که پس از تشکیل چنین اتحادی و پس از تداوم و استحکام سازمانی آن، حفظ نام‌ها و گروه‌های قبلی بی معنی است. اما اگر کسی علیرغم این تشکیلات مشترک هنوز خواهان حفظ گروه خاص خود و تداوم این تناقض است، البته می‌تواند ادامه دهد، مسالهی ما نیست. پیشنهاد ما این است که وقت جناح را تلف این گونه مباحثات نکنیم. چه بسا خود رفقا پس از دوره‌ای همکاری و پس از ساخته شدن جناح، ضرورت حفظ نام‌های سابق را در تجربه نفی کنند. آن‌چه مسلم است، اگر کسی از همین حالا اعتقادی به ضرورت این کار ندارد، پس وجودش در این جناح تناقضی است که خود حمل می‌کند.

### اساسنامه‌ی جناح

اگر قرار باشد این جناح به‌طور جدی تشکیل شود، باید که از اصول تشکیلاتی روشنی نیز برخوردار باشد. اصل اول این است که عضویت در این جناح به صورت فردی است. هر فردی همان حقوق را واجد است که هر فرد دیگر. هیچ فردی سخنگوی افراد دیگر نیست. مگر این‌که این افراد خود عضو اتحاد چپ باشند و ایشان را برای انجام کار مشخصی انتخاب کرده باشند. اصل دوم این‌که واحدهای پایه‌ای این جناح باید واحدهای خودگردان محلی باشند. هر چند که همه‌ی واحدها در چارچوب

يك ديگر اطلاع دهيم كه از دوباره كاري و ضد و نقیض كوبي جلودگيري كنيم. در مرحله‌ی فعلی، این نه محتاج انتخاب تیم است و نه حتی بولتن بحث و اخبار داخلی. هیات هماهنگی و یا هر واحدی باید مرتب اخبار و مباحثات و یا پیشنهادات خود را برای سایر واحدها ارسال کنند. سیاست‌های کلی را نیز در نشست‌های سراسری تعیین خواهیم کرد. به‌طور کلی، اما، مبنای کار ما پلاتفرم مشترك خواهد بود.

در مورد فعالیت‌های دفاعی تنها شکل موثر کار این است که از فعالیت‌های لحظه‌ای و واکنشی کم کنیم و کمیته‌ای بین‌المللی علیه اختناق در ایران سازمان دهیم. بدین شکل خواهیم توانست از نیروی کوچک خود فعالیتی سراسری و دانسا در حال گسترش ایجاد کنیم. فعالیت‌های این کمیته عمدتاً پیرامون دفاع از جنبش کارگری، زنان، ملیت‌ها، زندانیان سیاسی و پناهندگان خواهد بود. هرچند که نیروی فعال این کمیته عملاً خود ما به‌علاوه‌ی نزدیکان ما خواهد بود، باید آن را هرچه گسترده‌تر ساخت و در اتحاد عمل با نیروهای چپ انقلابی، جناح چپ سوسیال دموکراسی، اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های دموکراتیک در سطح بین‌المللی ایجاد کرد. در این چارچوب می‌توان با سایر جناح‌های اتحاد چپ نیز وارد اتحاد عمل شد. هدایت فعالیت ما در این کمیته، اما، نیازمند ایجاد تیمی است در سطح سراسری از جانب ما و چه بهتر که این تیم تخصصی باشد.

برقراری و گسترش تماس با رفقا و مبارزین در ایران نیز نیازمند ایجاد تیمی تخصصی از رفقاست که آگاهانه و با نقشه این کار را دنبال کند. این تیم، در ضمن، امکانات برخی فعالیت‌های علنی در ایران را نیز بررسی خواهد کرد (مثلاً امکانات انتشاراتی). رفقانی که تماس‌های شخصی دارند، کماکان این ارتباط را حفظ خواهند کرد ولی می‌توانند از این تیم راهنمایی و کمک‌های لازم را دریافت کنند.

مداخلات سیاسی ما در شرایط فعلی عمدتاً پیرامون روشن کردن مرزبندی ما با سایر جریانات خواهد بود. باید در مقابل ارتجاع آخوندی و سرمایه‌داری و اپوزیسیون بورژوازی از يك طرف و رفرمیسم و اپورتونیسم از طرف دیگر پرچم چپ انقلابی را برافراشته کنیم. به‌علاوه، باید به‌تدریج و براساس توانایی فعلی امر مداخله در جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اجتماعی را آغاز کنیم. این نیز کار همه‌ی واحدها و همه‌ی اعضا خواهد بود و نیازمند تیم ویژه‌ای نیست. هیات هماهنگی این فعالیت را هماهنگ خواهد کرد. مسائل مورد اختلاف نیز در نشریه به بحث

متکی بر پلاتفرم است، و این به‌اعتقاد ما به اندازه‌ی کافی اشتراك نظر لازم را در بر دارد. اما، نباید از اختلاف نظر نیز هراسی داشت. در شرایط فعلی آنچه غیرعادی جلوه خواهد کرد اتفاق نظر است! در هر حال نمی‌توان به بهانه‌ی وجود اختلاف از مداخلات نظری و سیاسی طفره رفت. طیف رادیکال باید حتی در شرایط فقدان حزب انقلابی بتواند پرچم سوسیالیسم و انقلاب را در مقابل رفرمیسم و اپورتونیسم برافراشته کند. اختلافات، صمیمانه و دوستانه در خود نشریه به بحث گذاشته خواهند شد. این استدلال که فقط بر اساس وحدت کامل نظری می‌توان نشریه‌ی نظری - سیاسی منتشر کرد، صرفاً توجهی برای بی عملی است. باید سوال کرد کدام نشریه‌ی فعلی چپ واجد چنین شرایطی است؟ کدام فرقه و محفل فعلی دارای پلاتفرمی دقیق‌تر از پلاتفرم اتحاد چپ است؟

همچنین باید هرچه زودتر ترتیب استفاده از امکانات اینترنت را فراهم کرد. به‌تدریج این به یکی از بهترین طرق ارتباط با ایران تبدیل خواهد شد. در ضمن ما می‌توانیم بسیاری دیگر از نیروهای اپوزیسیون مترقی را در این کار درگیر کنیم. این امکانات را باید در خدمت همه‌ی نیروهای مترقی اپوزیسیون قرار داد.

این فعالیت را نمی‌توان به واحدهای محلی و یا شکلی از هماهنگی اعضا واگذار کرد. به‌علاوه، کار هیات هماهنگی جناح نیز نیست، بلکه محتاج انتخاب يك هیات تحریریه سراسری است با مسئولیت‌های مشخص. هرچند که نمی‌توان کوچکترین اختلافی با هرچه گسترده بودن تیم انتشارات داشت، باید دقت کرد همکاران نشریه را با هیات تحریریه یکی نگرفت. هیات تحریریه باید بتواند نقشی انتشاراتی داشته باشد، تصمیم بگیرد، سازمان دهد و اجرا کند. و البته، به جمع مسئول باشد. نشریه، در کنار مقالاتی که توسط هیات تحریریه تنظیم شده، البته، همه‌ی مقالات رسیده از جانب اعضا را نیز منتشر خواهد کرد. کلیه‌ی مقالات با مسئولیت و امضای شخصی منتشر می‌شوند. مضافاً به این‌که، هر گونه انتشارات سراسری نمی‌تواند ناقض حق هر فرد یا واحد در انتشار مطالب مستقل باشد.

همکاری و مذاکرات با نیروهای سیاسی طبیعتاً نخست در سطح واحدهای خودگردان محلی صورت خواهد گرفت، اما این بدان معنی نیست که هیات هماهنگی نمی‌تواند خود نیز در سطح سراسری مداخله کند. به‌علاوه، فعالیت‌ها باید هماهنگ شوند. ساده‌ترین شکل آن اینست که دست‌کم اخبار مربوطه را کتبا به

علنی واکذار خواهد شد.

شرایط برای ایجاد حزب پیشگام انقلاب سوسیالیستی طبقه‌ی کارگر فراهم نیست. ضرورت اتحاد چپ که به گفته‌ی معروف اتحادی بیش‌تر از اتحاد عمل اما کم‌تر از وحدت حزبی است از همین‌جا ناشی می‌شود. ما نیروهایی هستیم که اهمیت این بحران را درک می‌کنیم، خود را با راه‌حل‌های ساده و اغلب فرقه‌گرایانه فریب نمی‌دهیم و خواهان فعالیت مشترک در راه تدارک برون‌رفت از بحران و تدارک نظری، برنامه‌ای، سیاسی و تشکیلاتی سازمان نوینی از چپ انقلابی هستیم. این نه بدین معنی است که همه تا آخر باهم خواهیم بود و نه اینکه موفق خواهیم شد. اما، اگر از همان آغاز کار اعتقادی به این هدف نداریم ضرورتی برای متحد شدن نیز نیست.

بنابراین، همان‌طور که در پلاتفرم به صراحت گفته شده، باید روشن باشد هدف ما از این تجمع چیزی نیست جز تدارک حزب انقلاب سوسیالیستی طبقه‌ی کارگر. و باید روشن باشد که چنین حزبی براساس تلفیق برنامه و استراتژی انقلابی با بخش‌های تعیین‌کننده‌ی پیشگام طبقه کارگر ایجاد خواهد شد. تفاوت این تعریف با روش سکتاریستی که به هر چند نفر و هر برنامه‌ی من‌درآوردی مدال نطفه‌ی حزب اعطا می‌کند روشن است. اما، مرزبندی این مفهوم با مفاهیم رفرمیست و سنتریست از احزاب توده‌ای نیز باید برجسته شود. این حزب هرچند که همواره برای وحدت طبقه کارگر در مبارزات طبقاتی تلاش می‌کند هرگز به این توهم دامن نخواهد زد که در جامعه‌ی سرمایه‌داری توده‌ی وسیع طبقه می‌تواند در چارچوب یک حزب واحد انقلابی متحد شود. چنین حزبی فقط حزب بورژوایی طبقه کارگر خواهد بود. جنبش انقلابی می‌تواند توده‌های وسیع را در بر بگیرد، اما، حزب انقلاب سوسیالیستی همواره معرف اقلیتی از طبقه خواهد بود. وحدت سیاسی کل طبقه فقط در شرایط بحران انقلابی و در چارچوب شوراها میسر است. این حزب نه خواهان جایگزین کردن خود با کل طبقه است و نه خواهان کنترل جنبش توده‌ای - طبقاتی. بلکه در عمل و مبارزه لیاقت خود را برای رهبری جنبش توده‌ای اثبات خواهد کرد. تاکید بر این نکته ضروری است چرا که از همان ابتدا باید با تعابیر سکتاریستی، سوسیال دموکراتیک و پوپولیستی از حزب مرزبندی کرد. بدین ترتیب، هنگامی که ما از حق گرایش و جناح در حزب دفاع می‌کنیم، غرض تبلیغ همزیستی با رفرمیسم و اپورتونیزم در چارچوب حزب واحد نیست. صحبت از وجود اختلافات در چارچوب استراتژی واحد است.

نکته‌ی دوم پلاتفرم این است که چنین برنامه‌ای را نمی‌توان با هر

نکته‌ی دیگری که نباید به فراموشی سپرده شود، مساله مالی است. کار جدی بدون سروسامان دادن به وضعیت مالی ممکن نخواهد بود. این کار نیز محتاج تیمی است که تلاش عمده‌ی خود را به این مساله اختصاص دهد. امر ساده‌ی جمع‌آوری حق عضویت‌های سراسری و نظارت بر دخل و خرج جناح البته به‌عهده‌ی هیات هماهنگی خواهد بود.

در خاتمه تذکر یک نکته شاید لازم باشد. قبل از اینکه رفقا عدم توانایی ما در انجام همه‌ی کارهای فوق را یادآوری کنند، باید گفت همه لازم‌اند، و همه را باید شروع کرد. لاقط باید برنامه‌ی مشخصی برای تدارک تلتک فعالیت‌های فوق را به بحث گذاشت. صرفاً باید برای هرکدام نقشه‌ای مثلاً شش‌ماهه و براساس امکانات فعلی تنظیم کرد و در نشست سراسری بعدی آن را مورد ارزیابی قرار داد. در ضمن نباید سرعت پیشرفت کار را بر اساس کندترین مخرج مشترک تعیین کرد. هر واحدی باید بتواند براساس امکانات خود در راه تحقق نقشه‌ی همگانی تلاش کند.

### پلاتفرم جناح

مبنای عضویت در جناح و کلیه اقدامات آن، البته، همانا پلاتفرم مصوب نشست دوم اتحاد چپ است. اما روشن است که بسیاری از دوستان و رفقا، چه در جمع ما و چه در سایر جناح‌ها، تفاسیر خاصی از پلاتفرم را قبول دارند که هرگز به صورت کتبی منتشر نشده. از اولین اقدامات ما یکی روشن کردن همین تفاسیر است. باید روشن باشد هنگامی که می‌گوییم ما طرفدار پلاتفرم هستیم لاقط برسرخخطوط کلی آن توافق داریم. ما از همه‌ی رفقا دعوت می‌کنیم بحث عمده‌ی اولیه‌ی جناح را به روشن کردن پلاتفرم و نکات آن اختصاص دهیم. ما، به‌سهم خود، برای آنکه جایی برای سوتفاهم نباشد این نکات کلی را یک‌بار دیگر باز می‌کنیم و از سایر رفقا نیز توقع داریم که اگر از درک دیگری دفاع می‌کنند این درک ویژه را در اختیار جمع قرار دهند.

پلاتفرم در مورد اینکه ریشه‌های بحران فعلی جنبش سوسیالیستی یا کمونیستی در کجاست و یا ابعاد آن کدام است نظر مشخصی ارائه نداده. این بحث باز است. آنچه مورد توافق است سه نکته‌ی اساسی است. اولاً، این بحران مختص ایران نیست بلکه بین‌المللی است. ثانیاً این دو به یکدیگر مرتبط‌اند. ثالثاً به‌خاطر این بحران

باشد، قدرت اصلی در دست طبقه کارگر است. انقلاب آینده‌ی ایران چنانچه هر شکلی غیر از این بخود بگیرد قطعا به شکست خواهد کشید و هر دولتی غیر از دولت کارگری دولت ضدانقلاب خواهد بود. بدین ترتیب، بورژوازی و لایه‌های فوقانی خرده‌بورژوازی از نظر ما در صفوف ضدانقلابند. زحمتکشان (لایه‌های تحتانی خرده‌بورژوازی - آنها که نیروی کار دیگران را استثمار نمی‌کنند) تنها متحدطبقاتی طبقه کارگراند. لایه‌های میانی خرده‌بورژوازی هرچند که الزاما به ضدانقلاب نخواهند پیوست موافق تشکیل دولت کارگری نیز نخواهند بود و بنابراین باید خنثی شوند.

پافشاری ما بر ضرورت دولت کارگری جهت گیری دوره گذار را روشن می‌کند و نه شکل حکومتی. تنها ضامن انتقال به سوسیالیسم وجود دیکتاتوری انقلابی پرولتاریاست. این دولت اما در واقع نوعی نادلوت است که از همان لحظه استقرار خود پزمرده می‌شود. این دولت ارکان قدرت اکثریت جامعه است و متکی بر دموکراسی مستقیم نهادهای قدرت توده‌ای یعنی شوراهای شهری و منطقه‌ای کارگران و زحمتکشان خواهد بود. تاکید پلاتفرم بر جدایی ناپذیری مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از همین جا نشئت می‌گیرد. برای تحقق بدیل سوسیالیستی باید دموکراسی در همه عرصه‌های حیات اجتماعی گسترش یابد. دفاع از آزادی احزاب و حق رای همگانی نزدبانی نیست که پرولتاریا برای کسب قدرت استفاده می‌کند و کنار می‌گذارد، بلکه جز لایتجزای تلاش طبقه کارگر برای الغای طبقات است. تاجایی که سایر اقشار و طبقات از چارچوب دموکراتیک مبارزه سیاسی با این دولت خارج نشوند، نه تنها از همه حقوق دموکراتیک لازم برخوردارند که نقشی به مراتب مهم‌تر از دوران سرمایه‌داری در تعیین سرنوشت جامعه ایفا خواهند کرد. به عبارت دیگر، سایر لایه‌ها و اقشار باید در انتقال به سوسیالیسم شرکت داده شوند. این که شکل این مشارکت چگونه خواهد بود، اما، الزاما مورد توافق نیست و مساله‌ای است برای بحث.

نکته‌ی مهم دیگر پلاتفرم این است که هر چیزی را نمی‌توان سوسیالیسم نامید. دوران گذار به سوسیالیسم هرچند که با استقرار دولت کارگری و سلب مالکیت خصوصی آغاز می‌شود، حتی با استقرار کامل مالکیت دولتی به پایان نخواهد رسید. مالکیت دولتی صرفا قدم اول در راه استقرار مالکیت اجتماعی (مالکیت سوسیالیستی) متکی بر خودمدیریت تولیدکنندگان است. جامعه سوسیالیستی حتی در همان فاز اول مترادف است با

کسی آغاز کرد. باید طیف خاصی را در نظر گرفت و باید از همان ابتدا اهداف و اصول کلی این طیف را روشن ساخت. به عبارت ساده‌تر اگر بخواهیم با هم در انجام چنین امری جدی متحد شویم باید از همان ابتدا حداقل‌های مشترکی را بپذیریم. در این طیف، البته، گرایش‌های رنگارنگی وجود خواهد داشت، اما نه همه‌ی رنگ‌های قوس‌قزح. شش بند معروف پلاتفرم معرف این حداقل است. ما از همان ابتدا رک و راست اعلام کرده‌ایم، به اعتقاد ما ضرورتی برای وحدت با کسانی که حتی این حداقل را قبول ندارند، نیست. ما از همین امروز می‌دانیم که آب ما با ایشان در یک جوی نخواهد رفت و نیازی به تجربه کردن آن را نیز نداریم. آن وحدتی پایدارتر خواهد بود که از همان ابتدا اصولی باشد.

و این اصول نه از مخیله‌ی این یا آن گروه استخراج شده‌اند، و نه مخرج مشترک این یا آن گروه را معرفی می‌کنند، بلکه متکی بر تحلیلی از شرایط عینی اند. نمی‌توان نخست تصمیم گرفت با چه کسانی باید در اتحاد چپ وحدت کرد، سپس پلاتفرمی نوشت که مورد توافق باشد. اتحاد چپ باید با این سبک کار مرزبندی کند. یکی از مشکلات ما در این دوره دقیقا همین سبک کار بوده است. برخی از رفقا نخست تصمیم می‌گیرند که مثلا گروه فلان و بهمان نیز باید در این اتحاد جای داشته باشند، سپس به دست‌کاری پلاتفرم می‌پردازند تا ایشان نیز راضی شوند! بدین ترتیب، هرروز با اظهار علاقه‌ی این یا آن جریان یا علاقه به جلب شان، بحث پلاتفرم باز می‌شود! در صورتی که این وظیفه‌ی تمام کسانی است که خود را بخشی از این طیف می‌دانند، که خود تکلیف خود را با اهداف و اصول کلی طیف روشن کنند. ایشان چگونه هويت سیاسی - نظری این طیف را مشخص می‌کنند و چرا؟

باید روشن باشد استراتژی این طیف استراتژی انقلاب سوسیالیستی است: انقلابی که تکالیف مرکب جامعه ایران را توأمان حل خواهد کرد (تکالیف دموکراتیک و ضد سرمایه‌داری). نه به این خاطر که جمع مشخصی از ما آن را پذیرفته، بلکه به این دلیل که شرایط عینی چنین ایجاب می‌کند. اگر مثلا فلان جریان با این فرمول مخالف است پس این وظیفه‌ی اوست که دلایلش را توضیح دهد. و نه اینکه ما اول به او مدال طیف رادیکال را اعطا کنیم سپس برای راضی کردنش فرمول را تغییر دهیم. بدین ترتیب ما برای سرنوشتی رژیم فعلی و جایگزینی آن با دولتی کارگری مبارزه می‌کنیم. این دولت امر انتقال به سوسیالیسم را آغاز خواهد کرد. در این دولت هر کسی هر سهمی که داشته

گرفته است ؟ چه کسی برایشان " بن بست " ایجاد کرده است ؟

اگر بن بست در اتحاد چپ وجود داشته ، ناشی از عدم پذیرش تنوع گرایشات و ملزومات آن بوده است . اجلاس چهارم سراسری با صحنه نهادن به تنوع گرایشات ، راه خروج از بن بست را گشود و اینک امکان این امیدواری به وجود آمده است که رفتائی که به شرط عضویت قرار گرفتن پلانفرم اجلاس دوم اعتقاد داشتند ، در تناقض یک اتحاد چندگراشی ، با شرط عضویت قرار گرفتن پلانفرم نظری - برنامه ای ( یعنی پلانفرم یک گرایش معین ) تأمل کنند و شرایطی برای عضویت پیشنهاد کنند که همزیستی اصولی همه گرایشات طیف چپ کارگری و انقلابی را ممکن سازد . رفتائی " پروژه " اعلام کرده اند که میخواهند نه گرایش ، بلکه " جناح " بسازند . اگر منظور رفا از " جناح " این است که خروشان جناح انقلابی ، بقیه جناح ضدانقلابی و رفرمیست اند ، آنوقت باید به این سوال هم پاسخ دهند که از ابتدا با چه انتظار و آمیدی با چنین جماعتی اتحاد کرده اند و چگونه ترویج داشته اند که ایحان را جذب حزب انقلاب سوسیالیستی کنند و از این پس هم با چشمداشت چه آمیدی میخواهند تا فرارسیدن آن جدائی مسلم که وعده داده اند ، با ایحان همکاری کنند ؟

اما اگر منظور رفا تشکیل فراکسیون طرفداران پلانفرم اجلاس دوم باشد ، بی آنکه اتحاد چپ را مشروط به آن یا به بهانه آن تک حزبی کنند ، آنوقت اسم اینکار را هرچه بگذاریم ، تشکیل جناح یا گرایش یا فراکسیون ، هیچ مخالفتی نمیتوان با آن کرد و ما خود به چنین گرایشی تعلق داریم و طرفدار آنیم که گرایشات گوناگون ، خودشان را در پلانفرمهای روشن بیان کنند و مواضع روشن و رسمی شان در بولتن اتحاد ، به بحث و بررسی رفیقانه گذاشته شود ۱۹۹۱ دسامبر ، برهان ، ۲۹

### گزارش نشست سراسری

د بانه از صفحه ۱۸

استقرار مالکیت سوسیالیستی، انلای طبقات و از میان رفتن استثمار. هر چند که در این مورد در پلانفرم اشاره نشده، انتقال به سوسیالیزم، البته، در چارچوب ملی تکمیل نخواهد شد و مستلزم کنترل پرولتاریا بر نیروهای مولده در مقیاس بین المللی است. بدین ترتیب وظیفه اصلی دولت کارگری همانا گسترش انقلاب است. ذکر این مطلب ضروری است چرا که عده‌ای از مخالفین پلانفرم این طور ادعا کرده‌اند که پلانفرم می‌گوید یکبیمه می‌توان سوسیالیزم را ساخت، آن‌هم در کشوری عقب افتاده.

ایته پلانفرم به نکات دیگری نیز اشاره دارد. اما تا به امروز کسی در مورد این نکات دیگر ایرادی نگرفته است. اغلب ایرادات به نکات بالا برمی‌گردد. آنها که به این مطالب ایراد دارند نخست به صورتی مشخص اعلام کنند چرا، بر اساس این است که ما می‌توانیم چارچوب همکاری با ایحان را تعیین کنیم

کند ، کار کند ، اتحاد عمل کند و در قبال حوادث سیاسی واکنشی یکپارچه نشان دهد .

اجلاس چهارم سراسری اتحاد چپ کارگری تمایل عمومی به حفظ چنین اتحادی با فصاحت چندگراشی را بقرت تمام نشان داد و نه تنها خواهان تک گرایشی کردن و از هم پاشیدن اتحاد نشد ، بلکه علاقه رافر به فعالیت کردن آنچه را که اینکه با همین ترکیب و ساختارش ، بعنوان شکل و شیوه نوری از اتحاد چپ رادیکال شناخته شده ، ریشه درانده و جا افتاده است ، به نمایش گذاشت .

متأسفانه رفتائی امضا، کننده " سند " مورد بحث از " پروژه " کهاگان بر تک حزبی کردن اتحاد چپ یا میثاقند و تحت عنوان تشکیل " جناح " ، وعده " آینده جدائی " میدهد . البته این رفا حق دارند راهی را در پیش بگیرند که خود صلاح میدانند ، اما در هر حال باید پاسخ این سوال را به مردم بدهند که به چه دلیل پیشبرد پروژه خروشان را که در درون اتحاد چپ کارگری نه تنها مانعی برایش وجود ندارد ، بلکه فضای فعالیت نیز در اختیارش میگذارد ، میخواهند بقیمت نفی اتحاد و همکاری گسترده چپ انقلابی و در جدائی و تقابل با آن پی بگیرند ؟ این رفا باید به مردم بگویند که در همین مدتی که در کنار دیگران در اتحاد چپ بوده اند ، چه کسی آنان را مجبور به تن دادن به نظرات و برنامه هائی که قبول ندارند کرده است ؟ چه کسی به زور وارد مغفشان کرده و اصول و باورهایشان را آلوده و خدشه دار کرده است ؟ چه کسی خواسته است که با دست کشیدن از اصولشان به همکاری با دیگران بپردازند ؟ چه کسی و چه مقرراتی جلوی تبلیغ آزاد و نیرو گرفتن آنان را در درون اتحاد چپ ( بیرون که سهل است ) گرفته است ؟ چه کسی جلوی آنکه برپایه پلانفرم اجلاس دوم ، حزب مستقلی را بسازند یا تدارک بینند را

### موضوعیت اتحاد نیروهای

د بانه از صفحه ۳۹

جریانی که چنین ایده ای را داده اند، در پروسه عمل و در برانیمک مبارزاتی و سوسیالیستی باید آنهاپی را که واقعا بقدرت طبقه کارگر و دیگر رصتمکمان اعتقاد دارند، ولو اینکه آفاریست، مسلمان، و مکران، ارمانیست و مارکسیست باشند، را پیدا میکرد. اما الان مزوما مغفوش است و برخی از جریانات درون اتحاد فرستگا از طرح اتحاد هواداران سوسیالیزم و اتحاد بزرگ فاصله دارند و این مغفولات هنوز برایشان اموری ذهنی میباشند. همین خاطر هنوز مثل سابق هر کس تنفر است و شمارهای تند و تیز میدهد ظاهر سوسیالیستی تر است و خود را از طرفداران بلاسازخ طبقه کارگر میدانند.

اتحاد نیروهای چپ کارگری راهی ندارد جز اینکه راهی را که باید طی میشود اما آنرا دور زد، دروازه طی نماید. در این رابطه نباید عجله نمود.

با چنین تمهیلی از موفقیت اتحاد چپ کارگری، ما حضور در جلسات این طیف را اموری مثبت میدانیم زیرا از طریق حضور در این جلسات امکان طرح نظرات و شنیدن نظرات دیگران امکان پذیرتر میگردد و در پروسه میزبان در رابطه با همکاری بهتر نظر دارد.

## اتحاد نیروهای چپ کارگری

شماره ۸

اردیبهشت ۱۳۷۶

قیمت معادل ۳ مارک

- از میان اعلامیه های هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری صفحه ۲
- قطعه نامه های پیشنهادی در مجمع چهارم اتحاد چپ کارگری صفحه ۵
- گزارش نشست سراسری چهارم اتحاد چپ کارگری نمایندگان واحدلندن صفحه ۱۱
- اجلاس چهارم سراسری اتحاد چپ کارگری
- راه خروج از بن بست را گشود برهان صفحه ۱۹
- نشست چهارم اتحاد چپ کارگری و بیانیه ما شورای کار صفحه ۲۹
- دمکراسی مشارکتی و دولت کارگری نیاز عصر ماست م - ر - امید صفحه ۳۲
- چند نکته در باره ی دولت و انقلاب آتی م - رازی صفحه ۳۵
- اطلاعیه ی اتحاد چپ کارگری ایران بمناسبت اول ماه مه صفحه ۴۰

ستون آزاد :

موقعیت اتحاد نیروهای چپ کارگری در جنبش سیاسی ایران

پیام رهایی صفحه ۳۷